

استعاره مفهومی گناه در سخنان امام علی (علیه السلام)
با تکیه بر نهج البلاغه (رویکرد شناختی)

موسی عربی *

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۲۲

چکیده

در نگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره صرفاً یک مقوله زبانی نیست، بلکه مرتبط با تفکر و اندیشه انسان است و از گذر آن می‌توان به نوع و چگونه اندیشیدن صاحب سخن پی برد؛ بر همین اساس در این جستار سعی شده است تا چگونه اندیشیدن امام علی (علیه السلام) در خصوص مفهوم گناه که یکی از انتزاعی‌ترین مفاهیم پرکاربرد متون دینی است، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. قطعاً این چگونه اندیشیدن به شناخت و درک عمیقی از مفهوم گناه منجر می‌شود که علاوه بر اینکه بر حوزه رفتاری و کنشی صاحب سخن در برابر گناه، تأثیر گذار است، بر رفتار و نحوه تعامل مخاطب با گناه نیز مؤثر واقع می‌شود.

این جستار با روشی تحلیلی توصیفی و با رویکرد استعاره مفهومی از نگاه زبان‌شناسان شناختی به تحلیل سخنان امام علی (علیه السلام) پرداخته که به دنبال پاسخ به این سوال است که مفهوم گناه در نگاه امام علی (علیه السلام) چگونه تصویرسازی و از چه مدل‌های شناختی برای مفهوم سازی گناه استفاده شده است؟ در سامان یافتگی و نظام‌های تطابق این مدل‌های شناختی چه ویژگی‌هایی از حوزه مقصد بوسیله حوزه مبدا برجسته سازی شده است؟ نتایج آن نشان می‌دهد مفهوم گناه در سخنان امام علی (علیه السلام) در سه سطح وجودی، ساختاری و حرکتی با استعاره‌هایی چون گناه انسان است، گناه حیوان است، گناه بیماری است، گناه گیاه است، گناه بار است و گناه پایین است به حوزه تجسمی و تعیینی راه یافته است و سطح حرکتی از دو سطح دیگر از کمترین بسامد برخوردار است.

واژگان کلیدی؛

زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، امام علی (علیه السلام)، گناه.

سخنان امام علی (علیه السلام) به عنوان یکی از سخنوران مطرح تاریخ ادبیات عرب، پیوسته مورد توجه منتقدان و بلاغیان بوده است و در دوره‌های مختلف به تناسب تحولی که رویکردهای ادبی و زبانی داشته با روش‌های گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. توجه به تصاویر استعاری و بیانی با تاکید بر ساختار و شکل تزئینی آن، یکی از وجوه مورد توجه بلاغیان در تحلیل متون ادبی به طور کلی و در سخنان امام علی (علیه السلام) به شکل خاص، در برهه‌های ابتدایی بوده است. این نوع نگرش، کم‌کم کارکرد خود را از دست داده است و آن چیزی که بیشتر می‌تواند در خصوص سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام) بالاخص امام علی (علیه السلام) مورد توجه قرار گیرد بهره‌گیری از رویکردهای زبانی به منظور کنکاش در نحوه تفکر و اندیشه این بزرگان می‌باشد که زبان‌شناسی شناختی می‌تواند در این خصوص، کمک بزرگی به تحلیل و بررسی چگونه اندیشیدن سخنان امام علی (علیه السلام) می‌کند. بر این اساس تحلیل استعاره با رویکرد شناختی و مفهومی هدف اساسی این تحقیق قرار گرفته است.

بیان مسأله

استعاره به عنوان یکی از مباحث علم بیان، پیوسته و در دوره‌های مختلف ادبی و نقدی مورد توجه منتقدان و ادبا بوده است. از ابتدای شروع مباحث جدی علم بلاغت توسط عالمان بلاغت مسلمان، استعاره بخش جداناپذیری از مباحث مطرح شده توسط این گروه بوده که قبل از آن، توسط ادبا و دانشمندانی چون ارسطو مورد توجه قرار گرفته است. تا دوره معاصر یک نگاه مشترک در میان آراء و نظرات مختلف در این خصوص حکمفرما بوده است و آن اینکه استعاره را خاص طبقه ادبا و صاحبان سخن و بلاغت می‌دانسته‌اند که سطح عامه مخاطبان از کاربرد آن عاجز است؛ به همین خاطر، تمامی استشهادهای استعاری در کتب نقدی و بلاغی قدیم، پیوسته از متون ادبی و شاهکارهای ادبی انتخاب می‌شده است که همین مسأله باعث می‌شد تا استعاره غالباً کاربرد هنری و ظاهری داشته باشد.

زبان‌شناسان شناختی، در دروه معاصر این رویکرد زیبایی‌شناسانه صرف در خصوص استعاره را مورد تردید و انتقاد جدی قرار دادند و حوزه کارکرد استعاره را از متن ادبی و هنری فراتر بردند و به این مسأله قائل شدند که «استعاره نقش کلیدی در تفکر، درک و استدلال بشر، و فراتر از آن در ایجاد واقعیت اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی دارد؛ بنابراین درک استعاره به معنی مقدس برای فهمیدن این مقوله حیاتی است که ما کیستیم و کجا زندگی می‌کنیم» (نک: کوچش، ۱۳۹۳: ۱۰).

در واقع، استعاره به معنای شناختی یا مفهومی آن، در صدد است تا با تحلیل عبارت‌های زبانی، فراتر از واژگان به چگونگی نقش استعاره در شکل‌گیری نظام فکری انسان بپردازد که به تبع آن، می‌توان نظام



چگونه اندیشیدن صاحب سخن را، از هر طبقه‌ای که باشد فهمید.

«زبان استعاری می‌تواند بستری را فراهم آورد که مخاطبش در فضایی استعاری زندگی کند. این زبان به تجارب مخاطبان آن‌ها، ساختار و شکل خاصی می‌دهد. هدف {این متون} و قرآن ایجاد تحول در اندیشه بشر از راه پدیدآوردن فضاهای استعاری مناسب بوده است. ارتباطاتی که این متون، میان فضاهای گوناگون مادی و معنوی برقرار می‌کند مخاطب خود را بی‌وقفه درگیر این ارتباطات می‌کند. از این گذشته، استعاره‌های زبانی در آن‌ها آینه استعاره‌های مفهومی آنهاست» (قائمی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

نگارنده در این پژوهش سعی دارد تا با توجه به جایگاه برجسته امام علی (علیه السلام) در عرصه اندیشه و سخن، و نظر به کاربرد استعاره مفهومی به منظور تعریف حوزه‌های مفهومی و انتزاعی توسط حوزه‌های تجربی و حسی، نگاه امام علی (علیه السلام) را بر اساس استعاره مفهومی در خصوص گناه که یکی از انتزاعی‌ترین و پربسامدترین واژگان دینی در فرهنگ اسلامی است مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

به همین منظور این پژوهش به دنبال آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که مفهوم گناه در نگاه امام علی (علیه السلام) چگونه تصویرسازی و از چه مدلهای شناختی برای مفهوم‌سازی گناه استفاده شده است؟ در سامان یافتگی و نظام‌های تطابق این مدل‌های شناختی چه ویژگی‌هایی از حوزه مقصد بوسیله حوزه مبدا برجسته‌سازی شده است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص استعاره مفهومی در نهج البلاغه چندین کار صورت گرفته است که از جمله آنها، کتاب عبدالله الحراصی است که در بخشی از اثر خود تحت عنوان «دراسات في الاستعارة المفهومية» به تحلیل فتنه در خطبه‌های امام علی (علیه السلام) پرداخته است که به استعاره‌های مفهومی چون «الفتنة ظلمة» «الفتنة عمی» «الفتنة اضطراب» «الفتنة حیوان هائج» اشاره می‌کند. نویسنده در این کتاب سعی دارد تعامل امام علی (علیه السلام) با فتنه را از طریق شناختش که در ارتباط با پدیده‌های مادی شکل گرفته است مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

یک اثر دیگر، مقاله «تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج البلاغه: رویکرد زبانشناسی شناختی» نوشته نورمحمدی و همکاران است. نگارندگان در این مقاله به تحلیل اصول شناختی استعاره، فراوانی بسیار استعاره‌ها و ضرورت شناختی آن‌ها در نهج البلاغه پرداخته‌اند و در مدل‌های شناختی استعاره نهج البلاغه از استعاره بنیادین «زندگی سفر است» بهره جسته‌اند. این مقاله، هشت فرضیه اصلی استعاره مفهومی را مورد اشاره قرار داده که بر اساس آن سعی داشته است به تحلیل سخنان امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه بپردازد. سعی نویسندگان مقاله، آن بوده است که وجود اصول موجود در نهج البلاغه را به اثبات برساند. در بخش‌های مختلف به گزیده‌هایی از نهج البلاغه با محوریت همین اصول اشاره شده است و به جز مدل «زندگی سفر است» یک مفهوم خاص، مورد تحلیل قرار نگرفته است؛ مساله‌ای که ما در مقاله حاضر



سعی داریم با تاکید بر مفهوم گناه، به بررسی چگونگی مفهوم سازی آن از نگاه امام علی (علیه السلام) بپردازیم. مقاله «نقد و بررسی طرح‌واره‌های تصویری قرآن در نهج البلاغه» نوشته حسن مقیاسی به تحلیل و بررسی الگوی‌گیری استعاره‌های مفهومی نهج البلاغه از ساخت‌های استعاری آیات قرآن می‌پردازد. در این پژوهش بر اساس سه طرح‌واره حرکتی، قدرتی و حجمی به مقایسه استعاره‌های مفهومی قرآن و سخنان امام علی (علیه السلام) پرداخته می‌شود که طرح‌واره‌های حرکتی بسامد بالاتری نسبت به سایر طرح‌واره‌ها دارد؛ البته این نتیجه می‌تواند یک استقراء ناقص باشد چرا که نویسنده فقط طرح‌واره‌های متأثر از ساختارهای استعاری قرآن را مورد تحلیل قرار داده است و شاید این نتیجه محدود به همین بخش از استعاره‌های نهج البلاغه شود. شاید اگر استعاره‌های مفهومی نهج البلاغه به طور کلی مورد بررسی قرار گیرد و نه صرفاً بر اساس بخشی از استعاره‌های متأثر از قرآن، ضرورتاً این نتیجه حاصل نشود. آنگونه که گذشت در پژوهش‌های انجام شده یا به طور کلی به رویکرد شناختی استعاره‌های نهج البلاغه پرداخته‌اند یا اینکه موضوعات دیگری به غیر از استعاره مفهومی گناه که موضوع پژوهش حاضر است را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش:

متون دینی اسلام، حاوی عالی‌ترین معانی می‌باشد؛ این معانی و مفاهیم که از عالم معنا و ملکوت نازل شده است عمدتاً دربرگیرنده انتزاعی‌ترین و مجردترین مفاهیم است. خداوند متعال به جهت اینکه بشر محصور محسوسات، بتواند درک درستی از این مفاهیم داشته باشد، با اسلوبی نشأت گرفته از حیات تجربی انسان، این مفاهیم را القاء کرده است؛ به تبع آن، معصومین (علیهم السلام) که مفسران این پیام هستند هم از این روش تبعیت جسته‌اند و عالی‌ترین معانی را به شکل حسی و در ارتباط با زندگی روزمره، برای بشر تفسیر کرده‌اند. یکی از این مفاهیم، گناه است که پیوسته مورد توجه دین و ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است و سعی داشته‌اند این مفهوم را با حسی‌ترین روش‌ها برای انسان به تصویر بکشند تا با درک عمیقی که از این راه حاصل می‌شود، قبح گناه و عواقب آن، عینی‌تر باشد و اینکه مفسران وحی، امامان راستین، چگونه به این مساله می‌نگریسته‌اند و چگونه به بیان آن می‌پرداخته‌اند، می‌تواند یکی از ضروری‌ترین مسائلی باشد که به فهم عمیق‌تر مفهوم گناه و دوری از آن کمک کند؛ از همین رو نگارنده با توجه به اهمیت مساله سعی کرده است از گذراندن‌شده امام علی (علیه السلام) به عنوان کسی که این مفاهیم را به شکل عمیق مورد تعریف و تبیین قرار می‌دهد مفهوم گناه را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۱-۴. روش پژوهش:

در این پژوهش، به منظور تحلیل مفهوم گناه در سخنان امام علی (علیه السلام) و آشنایی با روش اندیشیدن آن حضرت (علیه السلام) در این خصوص از رویکرد زبانشناسی شناختی و روش لیکاف و جانسون در استعاره مفهومی

استفاده شده است. در این پژوهش، عبارت‌های زبانی در سه حوزه‌ی استعاره وجودی و ساختاری و حرکتی مورد تحلیل واقع شد. با توجه به اینکه یکی از اهداف این پژوهش شناخت نوع نگاه امام علی (علیه السلام) به مفهوم گناه است برای استخراج احادیث علاوه بر کتاب نهج البلاغه از کتاب غررالحکم نیز استفاده شد تا بهتر بتوان به رویکرد و نگاه کلی آن حضرت (علیه السلام) در خصوص گناه دست یافت. در انتخاب احادیث مربوط به گناه به واژه «ذنب» اکتفا نشد بلکه سایر واژگانی که مفهوم تخطی و تجاوز از حدود الهی را شامل می‌شد و همچنین مصادیق گناه را دربر می‌گرفت مورد استناد قرار گرفت.

۲- بحث

۲-۱. چارچوب نظری بحث:

۲-۱-۱. استعاره مفهومی

لیکاف وجانسون در کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم» از اولین کسانی بودند که استعاره را یک پدیده ذهنی و نه صرفاً زبانی مطرح کردند و آن را در بررسی‌های شناختی خود مورد توجه قرار دادند؛ از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، «استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر» (کوچش، ۱۳۹۳: ۱۴). «در این میان اگر یک حوزه مفهومی را **الف** و دیگری را **ب** بنامیم یکی از این دو حوزه، مبدأ و دیگری، مقصد است که برای فهمیدن و درک حوزه مقصد از حوزه مبدأ استفاده می‌شود. به عنوان مثال برای اینکه بتوانیم مفهومی مانند **بحث** را که درک بشر از آن، نوعاً انتزاعی است به شکلی عینی‌تر درک کنیم از حوزه مبدأ **جنگ** استفاده می‌کنیم که بواسطه آن گستره متنوعی از عبارت‌ها در زبان روزمره ما بازتاب می‌یابد:

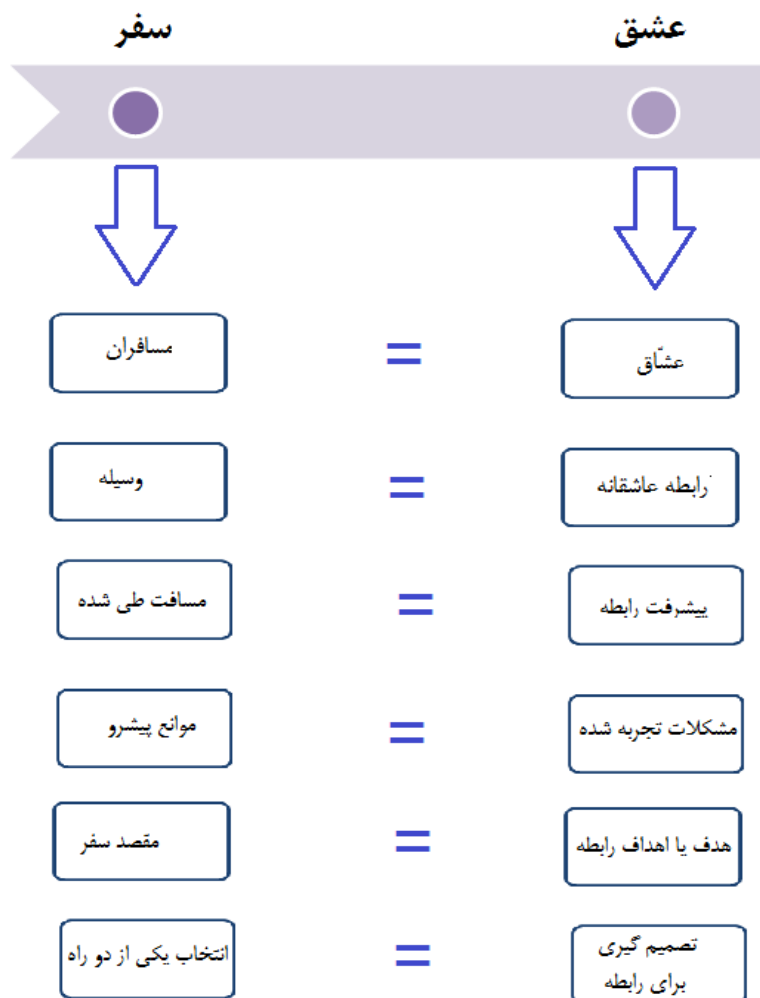
ادعاهای شما غیرقابل دفاع اند. / به همه‌ی نقاط ضعف استدلال من حمله کرد. / انتقاداتش درست به هدف خورد.

استدلالش نابودم کرد. / هرگز در بحثی با او پیروز نشده‌ام. / تو مخالفی؟ خیلی خوب، شلیک کن. در عبارت‌های زبانی فوق، کسی را که با او بحث داریم هم‌اورد خود می‌دانیم، به مواضع او حمله و از مواضع خود دفاع می‌کنیم. ... بخش عمده‌ای از آن چه که در بحث‌ها انجام می‌دهیم تا حدودی با مفهوم جنگ شکل می‌گیرد. اگر چه این نبرد، فیزیکی نیست اما کلامی است و ساختار یک بحث، شامل تک، دفاع، پاتک و ... این نبرد را به تصویر می‌کشد» (ن. ک: لیکاف، ۱۳۹۴: ۱۵).

انطباق‌های نظامند میان حوزه مبدأ و مقصد

هنگامی که از ورود حوزه مفهومی مبدأ به حوزه مفهومی مقصد صحبت می‌کنیم یک مجموعه نظامند بین این دو حوزه شکل می‌گیرد که توسط آن، می‌توان استعاره‌ی مفهومی را به خوبی درک کرد و در اصطلاح فنی به آن انطباق گفته می‌شود.





این مجموعه، مجموعه نظامندی از تناظرها یا انطباق‌هایی است که استعاره «عشق سفر است» را تعریف می‌کند. عناصر سازه‌ای حوزه مفهومی **الف**، به صورت نظامندی در تناظر با عناصر سازه‌ای حوزه مفهومی **ب** هستند. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد عناصر حوزه مقصد، همیشه بالقوه وجود داشته‌اند و

سخن‌گویان از آن رو این استعاره را به کار می‌گیرند که میان عناصر این دو حوزه، از پیش، شباهت‌هایی وجود داشته است. این طور نیست، حوزه عشق این عناصر را قبل از اینکه توسط حوزه سفر سازماندهی شوند دارا نبوده است. این، ورود حوزه سفر به حوزه عشق بوده که چنین ساختار ویژه با مجموعه عناصر سازه‌ای را برای مفهوم عشق پدید آورده است. از این منظر، مفهوم سفر، مفهوم عشق را خلق کرده است (ن. ک: کوچش، ۱۳۹۳: ۲۲).

البته باید متذکر شد که نظام انطباقی که بین دو حوزه مبدأ و مقصد سازمان داده می‌شود مطلق نیست؛ بلکه یک مساله‌ای نسبی است که نظر به هدف‌گوینده از مفهوم سازی برخی از تناظرها برجسته و برخی دیگر به حاشیه رانده می‌شوند.

۲-۱-۲. استعاره وجودی

لیکاف و جانسون در خصوص استعاره هستی‌شناختی یا وجودی بر این باورند که درک تجربه‌ها بواسطه اجسام و مواد به ما اجازه می‌دهد که بخش‌هایی از تجربه‌های خود را برگزینیم و آن‌ها را وجودها یا مواد مجزا و مستقل از یک کل واحد بشماریم. هنگامی که بتوانیم تجربه‌های خود را در قالب موجودها یا مواد بازشناسانیم، می‌توانیم به آن‌ها اشاره کنیم، آن‌ها را مقوله‌بندی و طبقه‌بندی کنیم، آن‌ها را بسنجیم و به این ترتیب درباره‌ی آنها بیندیشیم. به عبارتی دیگر اگر «یک تصور مجرد و ناشناخته بر حسب شیئی شناخته شده دیگری سازمان داده شود که خود گروه‌های متمایز را در برگیرد شاهد استعاره وجودی یا هستی‌شناختی هستیم» (پارمحمدی، ۱۳۷۲: ۱۶۹)

یکی دیگر از مصادیق استعاره مفهومی وجودی یا شناختی این است که جمادات به شکل موجودات زنده مفهوم سازی شود که در بلاغت قدیم بیشتر تحت عنوان استعاره مکنیه یا تشخیص کاربرد داشته است؛ مثل اینکه بگوییم: «زمین بعد از باران نفسی کشید» این عبارت بر پایه استعاره مفهومی «زمین انسان است» شکل گرفته است. تفاوت دیدگاه سنتی با رویکرد شناختی در خصوص انسان‌انگاری این است که «در استعاره مفهومی انسان‌انگاری مفهومی است که در ذهن رخ می‌دهد و حد آن فراتر از زبان است و زیر مجموعه استعاره مفهومی شناختی تلقی می‌شود». (پوراابراهیم، ۱۳۹۶: ۱۷۸)

۲-۱-۳. استعاره ساختاری

در این نوع استعاره، «حوزه مبدأ، ساختار معرفتی نسبتاً پرمایه‌ای است برای شناسایی حوزه مقصد. به بیان دیگر، این، کارکرد شناختی استعاره‌هاست که گوینده را قادر می‌سازد حوزه الف را با استفاده از ساختار حوزه ب درک کند» (کوچش، ۱۳۹۳: ۶۲).

«لیکاف و جانسون، اساس استعاره ساختاری را سامان‌دهی یک مفهوم در چارچوب مفهومی دیگر



می‌دانند و برآنند که اکثر استعاره‌های گزاره‌ای از این نوع هستند» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). «در استعاره-های ساختاری تصویر بر حسب تصویری دیگر سازمان داده می‌شوند. مثلاً تعبیر «زندگی خود را باختم» بر مبنای تصور زندگی قمار است استوار است» (پارمحمدی، ۱۳۷۲: ۱۶۹).

۲-۱-۴. استعاره‌های جهتی

لیکاف و جانسون در سازماندهی استعاره‌های مفهومی به نوع دیگری از استعاره قائل هستند که مانند استعاره ساختاری یک مفهوم در چارچوب مفهوم دیگری ساختار نمی‌بخشد یا مانند استعاره هستی‌شناختی یک مفهوم انتزاعی و ناشناخته با شیء شناخته شده مفهوم سازی نمی‌شود بلکه «نظام کاملی از مفاهیم را با توجه به یک نظام کامل دیگر سازماندهی می‌نماید این استعاره‌ها را استعاره‌های جهت‌مند می‌نامیم، زیرا بسیاری از آن‌ها با جهت‌های مکانی پیوند دارند: بالا-پایین، درون-بیرون، دور-نزدیک، عمیق-کم عمق، مرکز-حاشیه» (لیکاف، ۱۳۹۵: ۲۹).

برای نمونه، همه مفاهیم زیر با جهت «بالا» صورت بندی شده‌اند، حال آنکه متضادهای آنها با جهت «پایین» نمود می‌یابند:

بیشتر بالاست؛ کمتر پایین است: لطفاً، بلندتر صحبت کند. لطفاً صدايت را بيار پایین.

سالم بالاست؛ مریض پایین است: دیگه از تخت بلند شده. افتاده گوشه خونه.

همانطور که در مثال‌هایی که گذشت مشاهده کردیم جهت رو به بالا با ویژگیهای مثبت، و جهت رو به پایین با ویژگیهای منفی همراه می‌شود؛ گرچه ارزیابی‌های مثبت-منفی به جهت‌های بالا و پایین محدود نمی‌شود (ن.ک: کوچش، ۱۳۹۳: ۹۶).

«هر چند جهت‌های استعاری دلخواهی نیستند و بر اساس تجربه جسمانی و فرهنگی ما شکل می‌گیرند اما ممکن است در فرهنگ‌های گوناگون، متفاوت باشند. برای مثال در برخی فرهنگ‌ها، آینده در عقب است که البته وجهه غالب، همان نظام‌ند بودن استعاره‌های جهتی است» (لیکاف ۱۳۹۵: ۳۰).

طبق آنچه گذشت استعاره‌های مفهومی را می‌توان بر اساس نقش شناختی به سه دسته ساختاری، جهتی و وجودی تقسیم کرد. «استعاره‌های ساختاری، ساختار حوزه مبدأ را بر حوزه مقصد منطبق می‌کنند و بدین طریق گویندگان را قادر می‌سازند یک حوزه را به وسیله حوزه دیگر، درک کنند. استعاره‌های جهتی عمدتاً نقش ارزیابی دارند. آن‌ها استعاره‌ها را با هم هماهنگ می‌کنند. استعاره‌های وجودی درکی عمیقاً بنیادین و در عین حال خام از مفاهیم مقصد به دست می‌دهند که در مرحله بعد، مقدمات فهم استعاره‌های ساختاری را فراهم می‌کند» (کوچش ۱۳۹۳: ۷۵).

در خصوص تقسیم بندی و تعاریفی که از استعاره مفهومی در سه سطح وجودی و ساختاری و جهتی توسط لیکاف و جانسون شده است، اگر دقت کنیم برخی موارد با هم، هم پوشانی دارد یعنی برخی استعاره‌ها در عین حال که هستی‌شناختی هستند ساختاری هم می‌باشند و بالعکس و همین مساله در



تقسیم بندی پژوهش پیش رو نمود پیدا کرد که در نهایت « استعاره‌های هستی‌شناختی را با محدود کردن به «هستومند کردن» مفاهیم از جنبه تشخیص، از دو نوع دیگر مشخص تر کرد. همچنین می‌توان مشخصه استعاره‌های جهتی را وجود جهات دانست. اما درباره استعاره‌های ساختاری، شاید تنها بتوان استعاره‌هایی را که مشخصا دارای دو ویژگی فوق نیستند ساختاری دانست» (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

۲-۲. استعاره مفهومی گناه در سخنان امام علی (علیه السلام)

۲-۲-۱. استعاره وجودی

۲-۲-۱-۱. گناه انسان است

«شاید بدیهی ترین استعاره‌های وجودی، استعاره‌هایی باشند که در آن‌ها شیء فیزیکی، شخص پنداشته شده است و این شخص انگاری به ما اجازه می‌دهد که گستره‌ی وسیعی از تجربه‌های مربوط به پدیده‌های غیرانسانی را در چارچوب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی درک کنیم» (لیکاف، ۱۳۹۵: ۶۱).

از آنجایی که اساس و پایه استعاره مفهومی، تجربی ساختن مفاهیم انتزاعی و معنوی است که انسان سخت می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند، به تصویر کشیدن این مفاهیم در قالب شخص که نزدیک‌ترین تجربه به انسان است، مؤثرترین روش برای عینی کردن این مفاهیم است؛ چرا که انسان بیش از هر چیز دیگری با موجودیت خود، ارتباط دارد و مسائل دیگر، پیرامون او شکل می‌گیرد؛ از همین رو امام علی (علیه السلام) در سخنانش از این نوع استعاره بسیار بهره جسته است.

استعاره «گناه انسان است» بسامد بالایی در سخنان امام علی (علیه السلام) دارد که چند نمونه از آن مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

-گناه ارث می‌گذارد

امام علی (علیه السلام) در سخنی می‌فرماید: « فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجَرَّبِ تُورَثُ الْحَسْرَةَ وَ تُعْقِبُ النَّدَامَةَ » (خطبه / ۳۵) در اینجا نافرمانی و سرکشی از آنچه برای انسان خیر است و صلاح او را رقم می‌زند، به عنوان حوزه مقصد در نظر گرفته شده است، این مفهوم با انسانی که ارث می‌گذارد، به عنوان حوزه مبدا، مفهوم سازی شده است.

-گناه دعوت می‌کند

در حدیثی دیگر، امام علی (علیه السلام) گناه و معصیت را انسان شری می‌داند که به خود، فرامی‌خواند: « مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا » (غررالحکم / ۶۶۴) در این عبارت زبانی، معصیت و گناه به عنوان حوزه مقصد، توسط حوزه مبدا یعنی انسان دعوت کننده به تصویر کشیده شده است. مفهوم دعوت کردن



که در حوزه مبدا برجسته شده است ریشه در رفتاری انسانی دارد که تمامی انسانها چه به عنوان دعوت کننده و چه عنوان دعوت شونده، آن را تجربه کرده‌اند و از همین گذر، میل و کشش به گناه که یک مساله كاملا درونی و روحی است در این حدیث به عنوان یک مساله كاملا محسوس و تجربی مفهوم سازی می‌شود.

- دروغ رسواکننده است

در این عبارت زبانی، حوزه مبدا به عنوان انسان، نقش‌های مختلفی را به تصویر می‌کشد که اگر بخواهیم به مصادیق گناهان از نگاه امام علی (علیه السلام) توجه داشته باشیم گاهی گناه، در قامت یک انسان رسوا کننده پدیدار می‌شود: «الْكُذِبُ قَضَاحٌ» (غررالحکم/ ۱۷۱۲) در اینجا دروغ به عنوان یکی از گناهان کبیره مانند انسانی رسوا کننده، دروغگو را رسوا می‌کند که این عبارت زبانی به خوبی، قبح دروغ و خطری که متوجه دروغگو است را مجسم می‌کند؛ این تصویرسازی واقعی و عینی از دروغ، قدرت بازدارندگی بالایی در مخاطب ایجاد می‌کند.

- دروغ دشمن است

در عبارتی دیگر، دروغ به عنوان حوزه مقصد، در قالب دشمن به عنوان حوزه مبدا به تصویر کشیده می‌شود: «الْكُذِبُ عَدُوُّ الصِّدْقِ» (غررالحکم/ ۱۷۰۹) با این عبارت زبانی، استعاره «گناه انسان است» به خوبی تجسیم می‌شود و دشمنی به عنوان یکی از خصیصه‌های مبدا یعنی همان انسان برجسته‌سازی می‌شود. از جمله انطباق‌هایی که می‌تواند در این تصویر، بین حوزه مبدا و مقصد دریافت، چالش میان دروغ و راستی است که به صحنه جنگ می‌ماند و دروغ پیوسته سعی دارد راستی را از صحنه بیرون کند. همین برجسته‌سازی تجربی از دشمنی دروغ، باعث می‌شود تا مخاطب خود را در معرض حمله دشمن بداند و برای به دور ماندن از آسیب‌های این حمله به کنش‌گری بپردازد.

- حسادت دشمن است

حسد دیگر از گناهانی است که در فرهنگ اسلامی پیوسته مذموم بوده و بزرگان دین برای شناساندن باطن آن، از تصویرسازی و استعاره بهره جسته‌اند، از همین روایت که در سخنی دیگر از امام علی (علیه السلام) نگاشت «گناه انسان است» را جهت مفهوم سازی حسد مشاهده می‌کنیم و می‌فرمایند: «الْحَسَدُ دَابُّ السُّفْلِ وَ أَعْدَاءُ الدُّوْلِ» (همان/ ۶۱۱) در این سخن نیز از استعاره «گناه انسان است» استفاده شده تا نسبت به صفت دشمنی انسان، برجسته‌سازی صورت گیرد و دشمن به عنوان حوزه مفهومی مبدا، جهت مفهوم سازی مقصد که همان گناه و حسد است به کار برده شده است تا ضرورت مقابله با حسد به عنوان جبهه دشمن، بیش از پیش مورد تأکید قرار گیرد. در این سخن، بر خلاف سخنی که در مورد دروغ رفت و دشمن به عنوان حوزه مبدا به صورت مفرد ذکر شده بود، به شکل جمع یعنی «أعداء» ذکر شده است تا آثار زیانبار حسد به شکلی محسوس‌تر ترسیم شود.



در جایی دیگر، حسادت با استفاده از استعاره «گناه انسان است» به گونه ای دیگر مفهوم سازی می شود؛ از جمله آن، این حدیث از امام علی (علیه السلام) است که می فرماید: «الْحَسَدُ رَأْسُ الْعُيُوبِ» (همان/ ۶۱۲) در این عبارت زبانی در تبیین استعاره «گناه انسان است» شاهد آئیم که اگر گناهان و بدی ها به مثابه انسانی باشد، حسادت به عنوان حوزه مفهومی مقصد، سر این عیوب می باشد که با توجه به اهمیت نقش سر، به عنوان مرکز فرماندهی سایر اعضا و فرار گرفتن گوش و چشم و زبان در آن، که از مهم ترین اجزاء بدن است، حسادت هم در راهبری و ارتکاب سایر گناهان که نقش پیکره انسان را دارند نقش فرماندهی دارد. همانطور که اشاره شد انتخاب سر، به عنوان حوزه مبدا برای مفهوم سازی حسادت، به خاطر آثار و پیامدهای منفی فردی و اجتماعی است که حسادت به دنبال دارد و کسانی که این ویژگی را دارند سعی می کنند، دیگران را نیز منحرف کنند؛ همانگونه که قرآن کریم این صفت را برای کافران بیان می کند و می فرماید: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْقَبُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۱۰۹)

- سخن چین کشاورز است

امام علی (علیه السلام) در یک استعاره مفهومی دیگر، سخن چینی را بنا به استعاره «گناه انسان است» به مثابه کشاورزی می بیند: «إِيَّاكَ وَ التَّمِيمَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ وَ تُبْعَدُ عَنِ اللَّهِ وَ النَّاسِ» (غررالحکم/ ۲۹۶) در این استعاره مفهومی، انطباق سخن چین = کشاورز، کینه = بذر را شاهد هستیم. در این سخن، حوزه مفهومی مقصد که همان سخن چینی است در قالب یک کشاورز که بذر کینه را می کارد به تصویر کشیده می شود. همانطور که کشاورز با کاشتن مقداری بذر، چندین برابر آن، محصول درو می کند، سخن چین هم با پراکندن یک حرف، به نشر و گسترش چندبرابری کینه دست می زند البته با این تفاوت که محصول درو شده توسط کشاورز، مفید و ارزنده است اما محصولی که انسان سخن چین با نشر حرفهای بی اساس خود درو می کند چیزی جز کینه و تخریب بین مردم نمی باشد که قطعاً آن چیزی که بین عمل کشاورز و سخن چین در این تصویر استعاری برجسته شده است همان کثرت و گسترش است نه مفید فایده بودن.

۲-۲-۱-۲. گناه حیوان است

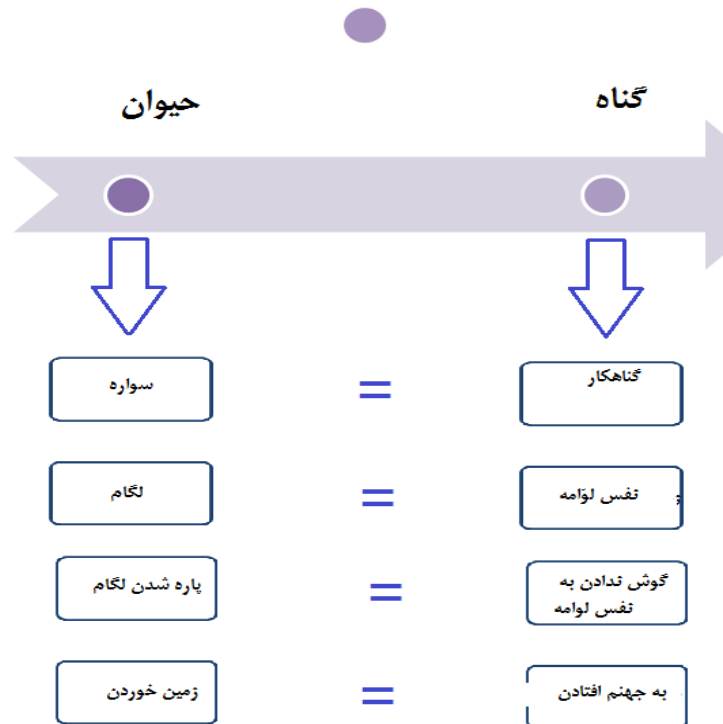
« حوزه حیوانات، حوزه مبدا بسیار پرکاربرد است؛ به خصوص انسان ها که اغلب در قالب ویژگی های (مفروض) حیوانات درک می شوند. از همین روست که ما حیوان، گرگ، سگ، روباه، توله سگ، و غیره را برای انسان به کار می بریم. اما استفاده استعاری از اصطلاحات حوزه حیوانات به انسان ها محدود نمی شود؛ چنانکه در مثال «در آوردن قایق از آب، کار حضرت فیله»، فیل واژه ای است که بر موقعیت دشوار



دلالت دارد. اندام‌های بدن حیوانات نیز در مفهوم سازی استعاری حوزه‌های مبدأ بسیار به کار می‌روند. (کوچش ۱۳۹۳: ۳۷)

-گناه مرکبی چموش است

امام علی (علیه السلام) جهت مفهوم سازی گناه و مصادیق آن از این حوزه مبدأ استفاده می‌کند و می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسُ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَخُلِعَتْ لُجْمُهَا فَتَقَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ» (خطبه/ ۱۶) در این سخن با استعاره «گناه حیوان است» حوزه مبدأ که همان مرکب‌های چموش هستند به سوی حوزه مقصد که همان گناهان و اشتباهات هستند در حرکت می‌باشند تا از یک حوزه عینی تر به سمت یک حوزه انتزاعی تر پیش برویم، چرا که استعاره مفهومی که بر تجارب عینی انسان استوار است به جهت فهم حوزه‌های انتزاعی تر مورد استفاده قرار می‌گیرد.



همانطور که در مجموعه بالا مشاهده می‌شود، شاهد یک مجموعه نظامند از تناظرها یا انطباق‌هایی





هستیم که استعاره «گناه حیوان است» را تعریف می‌کند و در حدیث امام علی (علیه السلام) به شکلی نظام‌مند برجسته شده است. این تناظرها، هم چگونه اندیشیدن سخنور را بیان می‌کند، هم مخاطب را با یک مفهوم نظام‌مند تاثیر گذار مواجه می‌کند؛ این مفهوم نظام‌مند، قابلیت بالایی در انتقال چگونه اندیشیدن در خصوص مفهوم گناه دارد و به تبع آن، این چگونه اندیشیدن بر نوع عملکرد و کنش سخنور و مخاطب تاثیر گذار خواهد بود و همین مساله بر شناختی بودن استعاره و تکیه آن بر تجربیات روزمره تاکید دارد.

امام علی (علیه السلام) در تفسیح سرزنش دیگری در ارتکاب گناه می‌فرماید: « وَ كَيْفَ يَذْمُهُ بِذَنْبٍ قَدْ رَكِبَ مِثْلَهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَكِبَ ذَلِكَ الذَّنْبَ بِعَيْنِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فِيمَا سِوَاهُ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ » (خطبه / ۱۴۰) در این سخن، از عبارت زبانی «بذنوب رکیه» به خوبی استعاره مفهومی «گناه حیوان است» را می‌توان درک کرد. حوزه مقصد که همان گناه است با حوزه مبدأ یعنی مرکب، مفهوم سازی شده است. امام (علیه السلام) با این عبارت زبانی می‌خواهد نسبت به سوار شدن بر گناه که مانند مرکبی مفهوم سازی شده است هشدار دهد؛ چرا که این مرکب، آنجا که بخواهد انسان را می‌برد و در سخن قبل با ترسیم این تناظرها دیدیم که چگونه امام علی (علیه السلام) مقصد نهایی این مرکب چموش را آتش جهنم می‌داند. با تتمه عبارت زبانی این سخن که می‌فرماید: « فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَكِبَ ذَلِكَ الذَّنْبَ بِعَيْنِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فِيمَا سِوَاهُ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ » (خطبه / ۱۴۰) در این فراز از سخن میان حوزه‌های مبدأ و مقصد وجود یک تناظر و انطباق دیگر را شاهد هستیم تا این نظامندی در استعاره مفهومی، خود را به خوبی نشان دهد. در این بخش از سخن، تعبیر « فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَكِبَ ذَلِكَ الذَّنْبَ بِعَيْنِهِ » سوار شدن بر مرکبی غیر از آنچه که سرزنش گر سوار بر آن است این مفهوم را به ذهن تداعی می‌کند که حوزه مبدأ می‌تواند از لحاظ بزرگی و کوچکی انواعی داشته باشد که به تبع آن، حوزه مقصد که همان گناه است نیز می‌تواند انواعی داشته باشد که در فرهنگ اسلامی از آن به تعبیر گناهان کبیره و صغیره یاد می‌شود. امام (علیه السلام) ارتکاب گناهان کبیره را مصداق سوار شدن بر مرکبی قوی‌تر و بزرگتر دانسته‌اند که از جهت کارکردی اگر بخواهیم مقصد این مرکب را همان آتش جهنم بدانیم بدون شک این مرکب هر چه قوی‌تر و بزرگتر باشد در رساندن و پرت کردن سوار خود در آتش جهنم که با حوزه مفهومی زمین زدن مفهوم سازی شده است، سریع‌تر عمل خواهد کرد.

-گناه حیوانی سمی است-

امام علی (علیه السلام) در تعبیری دیگر استعاره «گناه حیوان است» را اینگونه بیان می‌دارند: «أَلَا وَبِالتَّقْوَى تَقْطَعُ حُمَةَ الْخَطَايَا» (خطبه / ۱۵۷) ابن ابی‌الحدید در شرح این سخن می‌گوید: «حمة الخطایا همان سم اشتباهات است و بریدن سم بدین معناست که جریان زهر در بدن کسی که نیش خورده با یاد زهر قطع می‌شود و گویی سم گناهان و اشتباهات در بدن جاری گشته و تقوی این جریان را قطع می‌کند». (شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، ج ۹، ص: ۲۱۴-۲۱۳) از همین رو، در این عبارت زبانی، اشتباهات و گناهان به عنوان حوزه مقصد با حوزه مبدأ یعنی حیوانی که نیش سمی دارد در نظر گرفته شده

است و تنها راه کندن این نیش و درمان ماندن از آن تقوی است.

اینکه در کلام امام علی (علیه السلام) با استفاده از استعاره مفهومی «گناه حیوان است»، عبارت‌های زبانی مختلف و گوناگون رخ می‌نماید با هدف ترسیم انواع گناهان و تاثیرات و عواقب آن برای گناهکار است. چرا که برخی گناهان به سان مرکبی، سوار خود را بر زمین می‌کوبد و گاه دیگر به سان جاننداری نیش دار، بدن قربانی را آکنده به سم می‌کند. استفاده از این حوزه‌های تجربی، آن هم با برجسته سازی آسیب‌هایی که از سوی حیوانات مختلف ممکن است به انسان برسد، گناهان و عواقب آن را برای مخاطب ملموس می‌کند.

۲-۲-۲. استعاره ساختاری

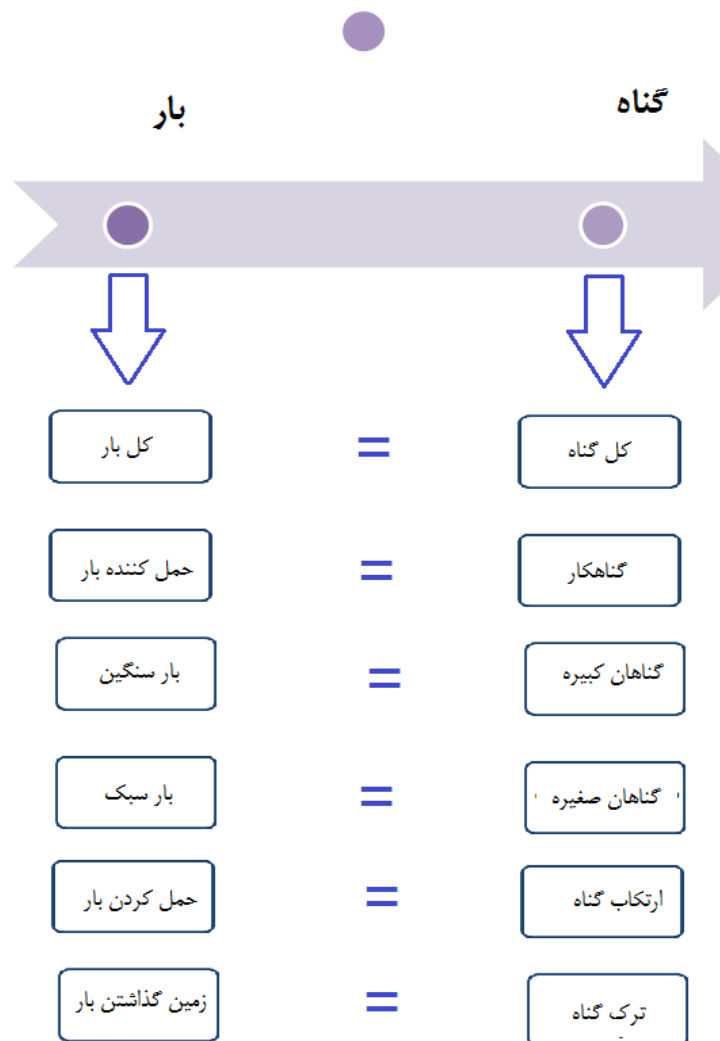
۲-۲-۲-۱. گناه بار است

جمادات یا همان اشیاء، بخش زیادی از تجارب پیرامون بشر را تشکیل می‌دهد. این تجربه‌های بشری از اشیاء پیرامون خود، قدمتی به قدمت آفرینش انسان دارد. استعاره شناختی که اساس آن، درک یک حوزه مفهومی به عنوان مقصد بوسیله یک حوزه مفومی عینی تر یعنی همان مبدأ می‌باشد از این اشیاء برای تشکیل یک ساختار نظامند بسیار بهره می‌برد و حتی در مبحث مجاز با رویکرد شناختی که متفاوت از استعاره است به هنگام انسان زدگی توجه ویژه‌ای به شیء وجود دارد. (ن.ک : لیکاف، ۳۹۴: ۷۱)

با بررسی سخنان امام علی (علیه السلام) عبارت‌های زبانی فراوانی یافت می‌شود که در ساخت استعاره مفهومی «گناه بار است» نقش دارد. برای تحلیل و آشنایی بیشتر با این استعاره مفهومی، نمونه‌هایی از سخنان حضرت را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

امام علی (علیه السلام) در سخنی می‌فرماید: «...و... حَمَالٌ خَطَابًا غَيْرُهُ رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ» (خطبه / ۱۷) در این عبارت زبانی مبتنی بر استعاره مفهومی «گناه بار است»، گناهان و اشتباهات به عنوان یک بار، قابل حمل می‌باشد و کسی که مرتکب اشتباه و گناه می‌شود با حوزه مفهومی کسی که باری را بر دوش می‌کشد، ترسیم شده است. بار بودن گناه، تناظرها و تطابق‌های زبررا در یک ساختار نظامند شکل می‌دهد:





این ساختار نظامند با تناظرهایی که دارد، در سخنانی دیگر از امام علی (علیه السلام) قابل مشاهده است؛ چنانکه ایشان می‌فرمایند: «ضع فخرک واحطط کبرک واذکر قبرک» در این عبارت زبانی، گناهان، مانند باری مفهوم سازی شده که ضرورت زمین گذاشتن آن، مانند باری بر دوش برجسته سازی شده است. در این سخن، مفهوم کبر با حوزه مبدأ به صورت بار مجسم شده است که انسان متکبر، آن را با خود حمل می‌کند. علاوه بر استعاره وجودی در این سخن می‌توان استعاره جهت‌ی را نیز مشاهده نمود که در نگاشت «بد پایین است» توضیح آن خواهد رفت.

در نگاشتی دیگر که برگرفته از استعاره مفهومی «گناه بار است»، وزن گناهان برجسته سازی شده است: « أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَحَفَّ بِهَا [صَاحِبُهَا] صَاحِبُهُ» (حکمت / ۴۷۷) در این حدیث، حجم گناه مفهوم سازی شده و تناظرهای سبک و سنگین برای بار، به منظور ترسیم حوزه مفهومی مقصد که گناه می باشد راه یافته است. گویی مرتکب گناه سنگین، به سان شخصی است که باری سنگین را سبک شمرده و آن را با خود حمل می کند که توان به دوش کشیدن آن را ندارد و در نهایت به زمین خوردن او منجر می شود.

۲-۲-۲. گناه بیماری است

قرآن کریم برای مفهوم سازی گناه از حوزه مبدأ بیماری استفاده کرده که با این آیات قابل توصیف است:

﴿ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴾ (بقره/ ۱۰)
 ﴿ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ ﴾ (احزاب/ ۳۲)
 ﴿ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ﴾ (انفال/ ۴۹).

امروزه مکاتب روانشناسی و اجتماعی نیز به این نتیجه رسیده اند که آدم بد وجود ندارد؛ بلکه آدم مریض وجود دارد. وقتی که چنین نگاهی به آدم بد یا گناهکار وجود داشته باشد که مانند یک مریض است این نگاه دو نتیجه قطعی دارد؛ یکی اینکه خود این اشخاص مریض، که خود را بد می دانند، آن وقت با کمال امیدواری به معالجه خود خواهند پرداخت و به نسبت کوششی که در این راه می کنند آدم های سالم و خوبی می شوند دوم اینکه به این اشخاص به نظر بد و حالت بغض و عناد نگاه نمی کنند بلکه به نظر مریضی بیچاره قابل ترحمی خواهند نگرست (ن. ک: محلاتی ۱۳۶۸: ۵۳).

امام علی (علیه السلام) هم به عنوان طبیب جامعه خود و هم به عنوان سخنوری بلیغ در کلام خود، به مفهوم سازی «گناه بیماری است» دست زده تا هم نگاه اسلام نسبت به گناهکار و تلاشش برای مداوای او را به عنوان یک رویکرد معرفی کند و هم اینکه بتواند آسیب هایی را که گناه بر روح و حتی جسم آدمی وارد می کند تجسیم نماید. البته در کنار نگاه استعاری به ارتباط میان بیماری و گناه به عنوان حوزه مبدأ و مقصد، آثار گناه مانند بیماری، بیانگر آن است که «برخی گناهان، باعث ضعف جسمی انسان می شود، اما این اثر منفی جسمی نیز از همان آثار روحی نشات می گیرد. زیرا میان بدن و روح، ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و تاثیر و تاجر دو بعد روان و جسم انسان در یکدیگر امری مسلم و ثابت شده است. بیشتر افراد در زندگی شخصی خویش در زمینه تأثیرهای متقابل نفس و بدن، تجربه های زیادی دارند و به صورت عینی دریافته اند که در مواردی، برخی بیماری های روحی، باعث پدید آمدن بعضی بیماری های جسمی



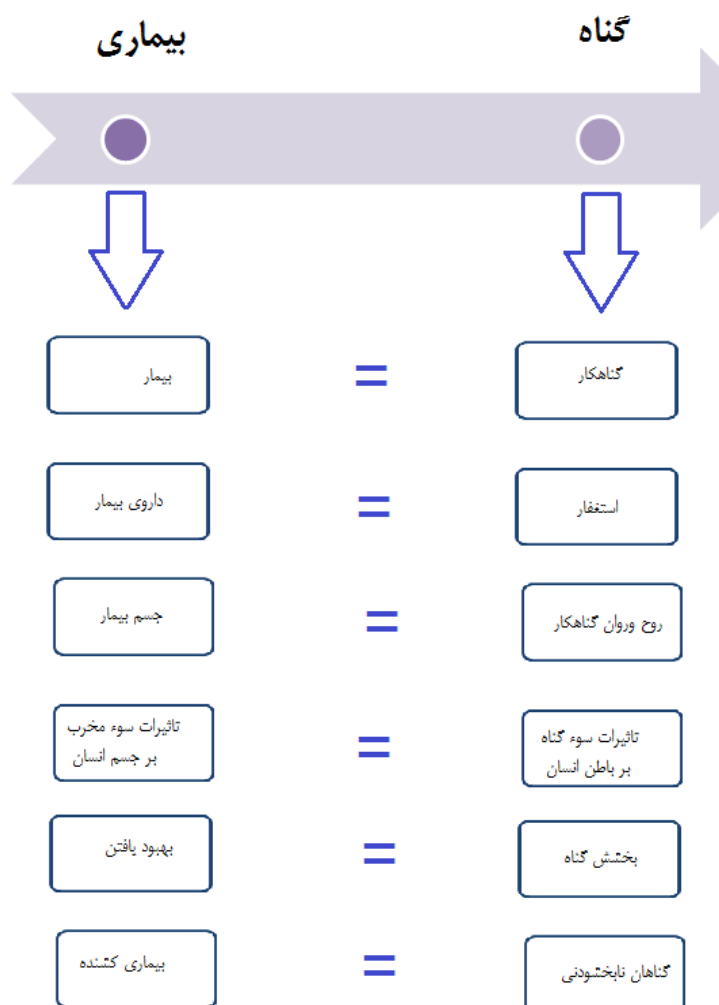
شده و متقابلاً چه بسا بیماری‌های جسمی، موجب مرض روحی شده است. این تعمل دو طرفه در مورد سلامتی صادق است. (جعفر طیاری ۱۲۵: ۱۳۹۴)

نمونه‌هایی از این احادیث با استعاره «گناه بیماری است» در سخنان امام علی (علیه السلام) مفهوم سازی شده است که به مواردی از این سخنان اشاره می‌شود:

- الذُّنُوبُ الدَّاءُ وَ الدَّوَاءُ الاسْتِغْفَارُ وَ الشِّفَاءُ أَنْ لَا تَعُودَ (غرر الحکم / ص ۷۹)
- الحَسَدُ دَاءٌ عَنَاءٌ لَا يَزُولُ إِلَّا بِهَلْكَ الحَاسِدِ أَوْ بِمَوْتِ المَحْسُودِ (غرر الحکم / ص ۷۹)
- الحَسَدُ يُضْنِي (غرر الحکم / ص ۲۹۹)
- الحَقْدُ دَاءٌ دَوِيٌّ وَ مَرَضٌ مُوبِقٌ (غرر الحکم / ص ۵۶ و ۵۹)
- الشَّهَوَاتُ أَغْلَالٌ قَاتِلَاتٌ وَ أَفْضَلُ دَوَائِهَا اقْتِنَاءُ الصَّبْرِ عِنْدَهَا (غرر الحکم / ص ۷۲)
- أَمَا مِنْ دَائِكَ بُلُوءٌ ... أَوْ تَرَى المُبْتَلَى بِأَلَمٍ يُمِضُ جَسَدَهُ فَتَبْكِي رَحْمَةً لَهُ فَمَا صَبَرَكَ عَلَي دَائِكَ (خطبه ۲۲۳)



عبارت‌های زبانی فوق به خوبی می‌توان استعاره تطابق‌های « گناه بیماری است » را به شکل زیر مفهوم سازی کرد:



در تناظرهای فوق که یک ارتباط نسبی بین بیماری به عنوان حوزه مبدأ و گناه به عنوان حوزه مقصد وجود دارد، شاهد آن هستیم که این استعاره مفهومی چگونه به عمل و تجربه ما ساختار می‌دهد. اینکه

گناه بیماری است و به تبع آن، گناهکار مانند یک بیمار است هم در نوع عملکرد خود گناهکار به عنوان یک بیمار موثر خواهد و هم در نوع برخورد دیگران با او به عنوان یک بیمار که باید مورد مداوا قرار گیرد موثر است. نگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) به انسانهای گناهکار، پیوسته یک نگاه بیمارگونه بوده که به دنبال مداوای آن بوده اند به همین خاطر است که در قرآن کریم و روایات اسلامی پیوسته گناهکار دعوت به استغفار و برگشت از گناه می‌شود.

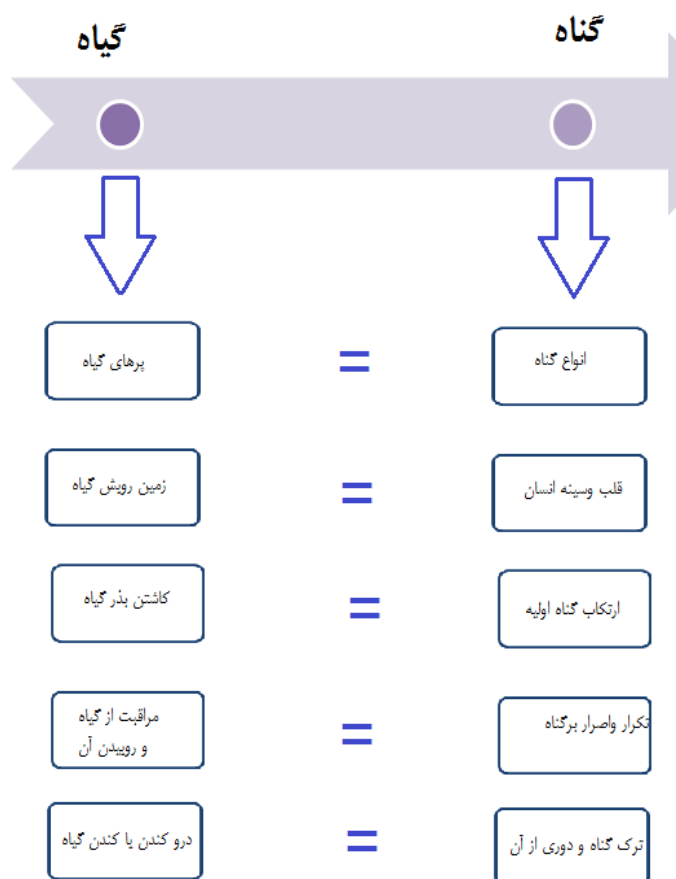
۲-۲-۳. گناه گیاه است

از دیگر حوزه‌های مفهومی مبدأ که برای مفهومی سازی گناه مورد استفاده قرار می‌گیرد استعاره «گناه گیاه است» می‌باشد که می‌توان عبارتهای زبانی برای آن، در سخنان امام علی (علیه السلام) پیدا نمود:

- اخْصِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ (حکمت / ۱۷۸)
- إِذَا أَمْطَرَ النَّحَّاسُ أَنْبَتَ النَّفَّاسِ (غررالحکم / ۴۱۳۱)
- تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ... وَإِنَّهَا لَتَحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّ الْوَرَقِ وَتُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ (خطبه / ۱۹۹)
- فَإِنَّ الْمَرَضَ لَا أُجْرَ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ يَحْطُ السَّيِّئَاتِ وَيَحْتُهَا حَتَّ الْأَوْزَاقِ (حکمت / ۴۲)

با تامل در عبارتهای زبانی فوق می‌توان مجموعه‌ای نظامند از تناظرها و تطابق‌ها را بین گیاه و گناه تصور کرد. گناهان با انواع و مصداق‌هایی که دارند در تناظر با انواع گیاهان در رنگها و اندازه‌های مختلف قرار می‌گیرند که حرکت به سمت گناه و ارتکاب اولین گناه به سان بذر گیاهان است که در سینه و قلب انسان کاشته می‌شود و با تکرار و اصرار بر آن، که متناظر با عوامل رویش گیاه، مانند باران و... این گناهان رشد می‌کنند و تنومندتر می‌شوند. البته بعد از رویش این گناهان، می‌توان آنها را از سینه و قلب کند که با مفاهیمی چون درو کردن و از ریشه در آوردن مفهوم سازی شده است.

این سیر شکل گیری گناه و رشد کردن آن سان گیاه را می توان به شکل زیر ترسیم نمود:



جنبه‌ها و ویژگی‌هایی که برای گیاه به عنوان حوزه مبدأ برای مفهوم سازی گناه به عنوان حوزه مقصد در سخنان امام علی (علیه السلام) به کار برده شده است طبق تناظرها و تطابق‌هایی که ترسیم آن گذشت، به خوبی قابل تحلیل است. به عنوان مثال در حدیث: « اخْضِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرِ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ » (نهج البلاغه، ج ۱۸۰) بیشتر، جنبه درو کردن و برکندن گیاه به ترک گناه راه یافته است و در صورتی این گناه از سینه انسان کنده نشود مانند گیاهی است که بذر خود را در زمین‌های مجاور که همان سینه دیگری است بپاشد و اینگونه می‌شود که شر و گناه از انسانی به انسان دیگر سرایت می‌کند. این مفهوم، وقتی بهتر

تداعی می‌شود که علف‌های هرزی را که خاصیت خزندگی دارند و اگر از یک زمین کنده نشوند به راحتی به زمین‌های دیگر هم سرایت می‌کنند و همه جا را فرا می‌گیرند. پس اولین قدم برای کندن ریشه گناهان و بدی‌ها، خشکاندن ریشه آن در درون خود انسان می‌باشد. شاید از همین رو است امام علی (علیه السلام) و سائر ائمه اطهار (علیهم السلام) بر سبک قرآن، به عیوب و گناهان خود مشغول می‌شوند تا اینکه مشغول عیوب دیگران و خرده گرفتن بر دیگران بشوند.

۲-۲-۳. استعاره جهتی

۲-۲-۳-۱. گناه پایین است

علاوه بر استعاره‌های ساختاری و هستی‌شناختی که مثالهای گذشته از این دو حوزه بودند، نوع دیگری از مفهوم استعاری وجود دارد که نظام کاملی از مفاهیم را با توجه به یک نظام کامل دیگر سازماندهی می‌نماید. این استعاره‌ها را استعاره‌های جهت‌مند می‌نامیم، زیرا بسیاری از آنها با جهت‌های مکانی پیوند دارند مانند: بالا-پایین، درون-بیرون، جلو-عقب، عمیق-کم عمق، مرکز-حاشیه. (لیکاف جانسون ۱۳۹۵: ۲۹). این نوع استعاره نیز در مورد گناه در سخنان امام علی (علیه السلام) با نگاهی «گناه پایین است» خود را نشان می‌دهد به عنوان نمونه در حدیث:

– اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ... وَ سَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ ... وَ هَفَوَاتِ اللِّسَانِ (خطبه / ۷۸)

– الْكُذْبُ يُزِدِي (غررالحکم ۲۲۰/۲/۳۱)

– التَّوَّاضُعُ يَرْفَعُ. (غررالحکم ۷۲۰/)

– التَّكَبُّرُ يَضَعُ (غررالحکم / ۱۱)

– وَ ضَعُ فَخْرُكَ وَ اِخْطُطُ كِبْرُكَ وَ اذْكُرْ قَبْرَكَ (حکمت / ۳۹۵)

– فَإِنْ تَقَوَّى اللَّهَ مَفْتاح سداد ... فاعملوا والعمل يرفع (خطه / ۷۲۳)

در این احادیث، مفهوم جهتی پایین که نوعاً در تجربه انسان دال بر پستی و جایگاه دون است برای درک مفاهیم انتزاعی به کار رفته‌اند به عنوان نمونه در حدیث «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ... وَ سَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ ... وَ هَفَوَاتِ اللِّسَانِ» لغرشهای کلامی و گناهان زبانی که از انسان سر می‌زند با عبارتهای «سقطات» و «هفتوات» که دال بر سقوط و پایین است و نگاشت گناه پایین است را در ذهن مخاطب نهادینه می‌کند.

با عبارتی دیگر در حدیث « وَ ضَعُ فَخْرُكَ وَ اِخْطُطُ كِبْرُكَ وَ اذْكُرْ قَبْرَكَ » در میابیم که جای فخر و کبر در جهت پایین قرار دارد و به همین جهت امام علی (علیه السلام) سفارش بر پایین گذاشتن آنها می‌کنند و در مقابل آن می‌بینیم که تواضع که نقطه مقابل فخر و کبر است به سمت بالا سوق دارد: «التَّوَّاضُعُ يَرْفَعُ؛ التَّكَبُّرُ يَضَعُ» در تصویری دیگر دروغ به سمت پایین سوق می‌دهد: «الْكُذْبُ يُزِدِي».





۲- نتیجه :

- ۱- سخنان امام علی (علیه السلام) آکنده از مفاهیم انتزاعی و معنوی است که برگرفته از قرآن کریم می‌باشد. این مفاهیم ملکوتی و ذهنی، جز با تفکر استعاری قابل ترسیم و تجسیم برای مخاطب نیست. گناه یکی از این مفاهیم است که از گذر شناخت تجربی و استعاره مفهومی در کلام امام علی (علیه السلام) تجسم و تعیین یافته است. این مفهوم وارد حوزه‌های چنانچه انسان، حیوان، گیاه، بار، بیماری و جهت‌های حرکتی شده است تا بر اساس مدل‌های شناختی گناه انسان است، گناه حیوان است، گناه بیماری است، گناه گیاه است، گناه بار است، گناه پایین است، نظام پیچیده‌ای از استعاره‌ها، شکل بگیرد. این نظام پیچیده از استعاره‌ها که برگرفته از تجارب و ارتباط‌های روزمره مخاطب با محیط پیرامون خود است، گناه را از یک حوزه انتزاعی دور از تصور و درک واقعی، کاملاً محسوس و ملموس می‌کند و از گذر همین مدل‌های شناختی حسی و تجربی، مخاطب با پی بردن به آثار و پیامدهای منفی و مخرب گناه از تاثیر پذیری بالاتری برخوردار خواهد شد.
- ۲- در استعاره «گناه انسان است» تناظرهایی که بر حوزه مقصد، منطبق و برجسته می‌شوند، می‌توان به مواردی چون دعوت به شر، به ارث گذاشتن، ندامت و پشیمانی، دشمنی و مورد حمله قرار دادن، نشر و گسترش بدی‌ها اشاره کرد؛ در مقابل، ویژگی‌های نیکوی انسانی، پنهان سازی شده‌اند و نمی‌توان اثری از آن را حوزه قلمرو مبدأ دید. در نگاشت «گناه حیوان است» صفات درندگی و بر زمین زدن سوار و نیش دار بودن، از جمله صفاتی است که برای حوزه مبدأ برجسته سازی شده است. در استعاره «گناه بیماری است» عواقب و پیامدهای بیماری و راه درمان آن، بین دو حوزه مبدأ و مقصد مورد انطباق قرار گرفته است. در استعاره «گناه بار است» حجم بار و در استعاره «گناه

پایین است» سقوط و رو به انحطاط بودن برجسته سازی شده است. از میان استعاره‌های مفهومی گناه در سخنان امام علی (علیه السلام) عمدتاً از جهت پایین استفاده شده است و این به خاطر این است که خود گناه با عواقبی که دارد انسان را به سقوط و انحطاط می‌کشاند؛ هر چند در مواردی، جهت بالا برای مفهوم سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در نهایت این جهت بالا به پایین و سراشیبی منتهی می‌شود که نمونه آن در استعاره‌های مربوط به «گناه حیوان است» مشاهده شد که گناهکار به عنوان سواره که در بالا قرار دارد در نهایت توسط حیوان به زمین زده می‌شود و در جهت پایین قرار می‌گیرد.





منابع :

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- تمیمی آمدی، عبدالواحد: ۱۳۸۷ش، **غررالحکم** ترجمه سید حسین شیخ الاسلامی، قم: موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان
- ۲- ابن ابی الحدید بن هبة الله : ۱۴۰۴ق. **شرح نهج البلاغه**، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، قم: دفتر آیت الله مرعشی نجفی
- ۳- پور ابراهیم، شیرین: ۱۳۹۶ش. «انسان انگاری مفاهیم مجرد در زبان قرآن از دیدگاه شناختی»، **دو فصلنامه پژوهش‌های زبان شناختی قرآن**، سال ششم، شماره اول، صص ۱۸۸-۱۷۷
- ۴- جعفرطیاری، مصطفی: ۱۳۹۴ش. «گناه، بیماری و پیامدهای تربیتی آن از منظر قرآن و حدیث»، **دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث**، پاییز و زمستان، شماره دوم، صص ۱۳۲-۱۱۳
- ۵- الحراسی، عبدالله: ۲۰۰۲م. **دراسات في الاستعارة المفهومية**، چاپ سوم، عمان: مؤسسة عمان للصحافة والأبناء والنشر والإعلان
- ۶- قائمی‌نیا، علیرضا: ۱۳۸۸ش. «نقش استعاره‌های مفهومی در معرفت دینی» **قبسات**، سال چهاردهم، صص ۱۸۴-۱۵۹
- ۷- کوچش، ژلتن: ۱۳۹۳ش. **مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره**، ترجمه شیرین پور ابراهیم، چاپ اول، تهران: نشر سمت
- ۸- لیکاف، جرج - جانسون، مارک: ۱۳۹۵ش. **استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم**، ترجمه هاجر آقا ابراهیمی، چاپ اول، تهران: نشر علمی
- ۹- مقیاسی، حسن : ۱۳۹۵ش. «نقد و بررسی طرحواره‌های تصویری قرآن در نهج البلاغه»، **فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه**، سال ۴ شماره ۱۴، ۱۰۸-۹۳
- ۱۰- نورمحمدی مهتاب ؛ آقا گل‌زاده فردوس ؛ گلفام ارسلان ۱۳۹۱ش. «تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج البلاغه» (رویکرد زبانشناسی شناختی) **مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، دوره ۳، شماره ۲۲، ۱۳۲-۱۱۱
- ۱۱- رسولی محلاتی، سید هاشم ۱۳۶۸ش. **کیفر گناه و آثار و عواقب خطرناک آن**، چاپ دهم، بی‌جا: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی
- ۱۲- دشتی، محمد، **ترجمه نهج البلاغه**، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی نشر رامین
- ۱۳- هاشمی، زهره، ۱۳۸۹ش. «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»، **مجله ادب**



